

تأملی بر یادگار نویسی‌های قاجاری در بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی

اکبرشاهمندی

کارشناس ارشد صنایع دستی- پژوهشگر هنرهای سنتی

چکیده:

آرامگاه بزرگان دین و عرفان، همواره مورد توجه حاکمان وقت و عامه مردم بوده و از نظر معماری و تزئینات، پرشکوه و با عظمت ساخته می‌شدند. کاشی‌کاری با نقوش متنوع و زیبا، گچبری و حجاری‌های ظریف و کتیبه‌های متعدد که به دست هنرمندان زبردست نگارش می‌شدند، همگی نشان از ایمان و ارادت نسل‌های متمادی به جایگاه قدسی و مقام والای این بزرگان دارد. «یادگارنویسی‌ها» و «یادگارنگاره‌ها» نیز اگر به دید «وندالیسم» بدانها نگریسته نشود نوعی تزئین هستند که طی ادوار مختلف و با اشکال و خطوط متنوع بر در و دیوار بناها بویژه آرامگاه‌ها و بقاع متبرکه حک شده‌اند و لذا از جنبه‌های زیباشناسی، محتوای تاریخی و اجتماعی بسیار ارزشمند می‌نمایند. بقعه شیخ‌صافی نیز به عنوان یک معماری مذهبی از جمله فضاهایی است که مقوله یادگارنویسی در آن قابل مشاهده است و گرچه بر اثر گذر زمان و مرمت، برخی از آنها محو یا مخدوش شده اما آنچه به جای مانده با صراحت و گاه با رمز و کنایه حضور گذشتگان و حاجات مادی و معنوی ایشان را در این مکان مقدس روایت می‌کند. این مقاله می‌کوشد با روش توصیفی و تحلیلی، یادگارنوشته‌ها و یادگارنگاره‌های قاجاری بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، یادگارنویسی، یادگارنگاری، قاجاریه

مقدمه:

یادگارنویسی و یادگارنگاری از پدیده‌های مهم انسانی است که تاریخچه و شروع آن به آغاز غارنشینی و کشیدن نقوش مختلف بر سنگ‌ها و صخره‌ها باز می‌گردد. انسان اولیه گرچه فکر نمی‌کرد اثر دستانش تا هزاران سال بر دیوار غارها به یادگار بماند اما میل به جاودانگی و بقا وی را بر آن می‌داشت که حضور خود را در آن لحظه و در آن مکان ثبت نماید. با شروع تمدن و ساخت اماکن مذهبی و بناهای باشکوه سلاطین، نگارش یادگاری‌ها در این اماکن که گمان می‌رفت مانا و جاودان‌تر از ابنیه متعارف باشند رواج یافت و بویژه در اماکن مذهبی این امر با نوعی قداست و احترام به خاطر معنوی صاحبان بقاع جدی گرفته شد.

یادگارنویسی‌ها در فرهنگ اسلامی، علیرغم موجز و خلاصه بودنشان بسیار پر محتوا و بیان روانشناسی دوره‌های تاریخی‌اند و همچنین از حیث ایدئولوژی و مذهب حاکم در دوره مورد نظر بسیار ارزشمنداند. بر موارد ذکر شده

ارزش‌های هنری و جاذبه بصری آنها را هم باید افزود که می‌توانست وسوسه‌ای برای خاص و عام در همراهی با آیات و عبارات دینی در یادگار نویسی باشد (شاهمندی، شهیدانی، 1391: 46).

تربیت پیامبران و امامان و همچنین بقاع متبرکه همواره مورد توجه و احترام ایرانیان بودند. چراکه در باور مردم این مکان‌ها همواره مرکز نزول انوار و رحمت خداوندی بودند. درباره عرفا و صوفیان گفته شده بود که مزار آنان برای زندگان، محلی متبرک است و در رفع حوائج مادی و معنوی اثری فراوان دارد لذا از گذشته‌ها، قبور مشایخ و بزرگان، محل ارادت مسلمانان بوده است. همچنین عده‌ای از پیران خانقاه‌دار پس از مرگشان، در همانجا به خاک سپرده می‌شدند و آن بنا تا مدتها مورد توجه و اقبال طالبان و سالکان بود (کیانی، 1369: 88-90).

بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی نمونه مناسب و جامعی از این اینگونه خانقاه‌ها و مراکز صوفیانه است که هم در زمان حیات و هم پس از وفات شیخ محلی برای تجمع و انجام فرایض دینی و عرفانی بوده است. این بقاع متبرکه گاه بصورت مهمانخانه‌ای رایگان در خدمت مردم بود و در آنجا از مسافران و فقرا پذیرایی می‌شد از این رو بسیاری از زائران، مسافران و انسان‌های گرفتار و نیازمندی بوده که خاطرات، درخواست‌ها و دل‌مشغولی‌های خود را بر در و دیوار این اماکن مقدسه گذاشته‌اند به امیدی که با توسل به بزرگان و صالحان هم‌گروه‌ای از مشکلات ایشان باز شود و هم با شفاعت آنان مورد رحمت و مغفرت قرار گیرند و شاید نامی هم از ایشان در تاریخ جاودانه گردد. بر پایه این اعتقادات، نگارش در بقاع متبرکه جدای از اعتقادات مذهبی عامه مسلمانان نبوده است و از سوی دیگر این امر را می‌بایست فارغ از خودستایی و بزرگان‌دیشی، نوعی احترام قلبی به بزرگان و نیاکان و البته توجه به مقوله مرگ و زندگی در نظر گرفت.

به عقیده بسیاری، یادگار نویسی بر بناهای تاریخی و مذهبی نوعی بی‌احترامی و موجب تخریب بنا است و از این رفتار با واژه «وندالیسم»¹ یاد می‌شود، اما باید پذیرفت که برخی از این نوشته‌ها در محتوای خود حاوی اطلاعات مهم تاریخی و اجتماعی هستند که مانند یک سند معتبر از حوادث گذشته خبر می‌دهند. جنگ و غارت، قحطی، تولد، ازدواج و مرگ و بسیاری از مسائل زندگی در این مکتوبات قابل بررسی و بازنگری است. در میان یادگار نوشته‌ها، همواره نمونه‌هایی از دستخط شخصیت‌های مذهبی، فرهنگی و سیاسی وجود دارد که از لحاظ نفاست خط نیز اغلب در درجه بالایی قرار دارند که از آن جمله می‌توان به دست‌نوشته «شیخ بهایی»² در آرامگاه تخت‌فولاد اصفهان اشاره کرد.

از طرفی یادگار نویسی گاه با یادگارنگاره همراه می‌شود؛ تصاویری گاه ساده و گاه پرمایه که از دوره‌های زمانی مختلف و اغلب همسان با طرح‌ها و تزئینات بنا اجرا شده‌اند. برخی از یادگار نویسی و یادگارنگاری‌ها به معماری و فضای آن ارزش و مفهوم خاصی را می‌بخشند در حدی که می‌توان گفت بدون این آثار، تزئینات بنا کامل نیست. البته این موضوع در تقابل با یادگار نویسی‌های دوران معاصر است که کاملاً جنبه تخریبی و اعتراضی دارند.

بسیاری از این دل‌نوشته‌های تاریخی و ارزشمند به خاطر ضرورت حفظ و مرمت بناهای تاریخی از سطح دیوارها پاک شده‌اند اما همان تعداد هم که باقی مانده خود حدیث مفصلی را از دل مشغولی‌ها، تفکرات و نگاه زیباشناسانه مردمان زمانه خود حکایت می‌کند. گرچه هر یک از یادگار نوشته‌ها از منظر فرمی و محتوایی موضوعی خاص را روایت می‌کنند اما وجه اشتراک همه آنها این است که حضور شخص در یک مکان تاریخی و مقدس را منعکس می‌نمایند. در این میان باید توجه داشت که بجز مواردی چند، زائر نمی‌خواسته یا نمی‌توانسته مانند یک نویسنده ذهنیت خود را بسط دهد و لذا آنچه را در ذهن و دل خود داشته در قالب یک متن مختصر می‌نگاشته است. در واقع باید گفت که یادگار نویس، این جمله پر مفهوم را همیشه در ذهن خود داشته که: «کم گوی و گزیده گوی چون دُر» و به همین دلیل سعی نموده از

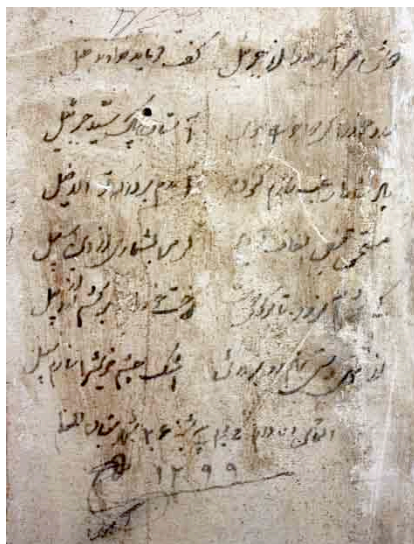
گونه‌ای نوشتاری استفاده کند که ضمن وضوح بیان، کوتاه بوده و به راحتی حال او را وصف کند. (سیمره، 1378: 184-186).

این قصارنویسی هرگز از محتوای ارزشمند و معنوی یادگاری‌ها نکاسته است و همواره از آیات قرآنی، مخصوصاً از دوره صفویه به بعد و رسمی شدن مذهب تشیع احادیثی از پیامبر و دیگر امامان، نام ائمه اطهار بویژه مولا علی (ع) و اشعاری در مدح و توجه و ابراز محبت به ایشان استفاده شده است. بقعه سید امین‌الدین جبرائیل (پدر شیخ صفی) در روستای کلخوران نمونه خوبی از این دست بناهاست که یادگار نویسی شیعی در آن بخوبی مشهود می‌باشد (تصاویر 1 تا 3).

با توجه به مطالب ذکر شده پیرامون مقوله یادگارنویسی، بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز به عنوان یک معماری تاریخی و ارزشمند و همچنین مرقد یکی از بزرگان عرفان و تصوف، از این قواعد مستثنی نبوده و در و دیوار آن مملو از یادگارنویسی و یادگارنگاره‌های زیبا و پر محتوایی است که علاوه بر واخوانی و بررسی‌های تاریخی، نیازمند حفظ و مراقبت می‌باشند.

خوش می آمد صدا از جبرئیل	گفت فرماید خداوند جلیل
درد خود را گر دوا خواهی بیوس	آستان پاک سید جبرئیل
باد بازم کنون	آمدم بر درگه تو الدخیل
مستحق فیض الطاف توام	گر مرا بشماری از این سبیل
کی شود آنروز تا بر کوی دوست	رخت خود را برکشم از اردبیل
از تهی دستی نهم رو بر درش	اشک چشم خویش را سازم سبیل

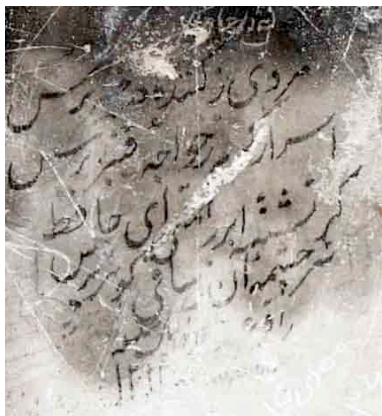
«التماس دعا دارم من مجرم-پنجشنبه 26 شهر شعبان المعظم 1299» تصویر (1)



تصویر (1)

مردی ز کننده در خیبر پرس	اسرار کرم ز خواجه قنبر پرس
گر تشنه ابر رحمتی ای حافظ	سرچشمه آن ساقی کوثر پرس

راقمه عبد... 1323 (تصویر 2)



تصویر (2)

ایدل غلام شاه جهان باش شاه باش پیوسته در حمایت لطف الاله باش
 کسی را که مولایش حیدر بود چه پروا از روز محشر بود

العبد المذنب الحقیر الفقیر سیّد غفور حکاک

بنه نامم غلام درد نوشان نمیخواهم خدایا نام دیگر

العبد الحقیر خاک پای (تصویر 3)



تصویر (3)

یادگارنویسی و یادگارنگاری در بقعه شیخ صفی‌الدین:

مانند هر اثر هنری و یا هر مکان تاریخی و مذهبی، یادگارنویسی در بقعه شیخ‌صفی را نیز می‌توان از دو منظر فرمی و محتوایی مورد نقد و بررسی قرار داد. جنبه فرمی به زیبایی‌شناسی نقوش و خطوط و همنشینی یادگارنوشته‌ها با یادگارنگاره‌ها توجه دارد و جنبه محتوایی، یادگارنویسی‌های این بقعه را از حیث مسائل تاریخی و اجتماعی واکاوی می‌کند.

گرچه در اکثر مکان‌های تاریخی و مذهبی ایران یادگارهای با روش قلم و مرکب اجرا شده‌اند اما یادگارنوشته‌های بقعه شیخ صفی بوسیله حجاری و نقرکاری روی ازاره‌های سنگی آرامگاه بوجود آمده‌اند. نکته دیگر اینکه اکثر این نوشته‌ها درون فرمی ترنجی شکل و یا قاب مستطیل و گاه شکلی متناسب با هنر و معماری گنبد و قوس‌های محرابی بقعه اجرا شده‌اند. از نقوش یادگارنگاری‌ها غیر از موارد یاد شده می‌توان به نقوش جانوری مثل پرندگان، طاووس و اسب اشاره کرد که بار معنایی خاصی به دسته نوشته‌ها بخشیده‌اند.

مجموعه نفیس بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در سال ۷۳۵ ق/۱۳۳۴م به دست فرزندش صدرالدین موسی بنا شد و پس از شروع حکومت صفویه، به سبب ارادت صفویه به جد خود، واحدهای مختلفی به این مجموعه اضافه شد. به ویژه در دوره شاه‌عباس اول برای تکمیل و تزیین آن، کارهای فراوانی صورت گرفت. در عصر صفوی، بقعه شیخ با حضور استادان بزرگ چنان به زیور آراسته شد که هم چنان پس از گذشت چندین قرن به عنوان یکی از مفاخر تاریخی و فرهنگی ایران به شمار می‌آید.

یکی از موارد منحصر به فرد این مجموعه آن است که بقعه حاوی آثار مختلف هنری است که از آن جمله می‌توان به عالی‌ترین نوع کاشی‌کاری معرق، مقرنس و گچ‌بری، کتیبه‌های زیبا و نفیس از خطاطان بزرگ دوره صفوی (میرعماد، میر قوام‌الدین، محمداسماعیل و...)، منبت‌های ارزنده، نقرکاری، تذهیب و طلاکاری، نقاشی و تنگ‌بری اشاره کرد (جامعی، ۱۳۷۹: 68) (تصویر 4) و مهم اینکه این تزئینات و آثار زیبا از چشم تیز بین زائران به دور نمانده و یادگارنویس با هنرمندی تمام متن و نوشتار خود را مزین به نقشمایه‌های مختلف نموده است.

در معماری و تزئینات معماری بقعه شیخ‌صفی از هنرمندان زبردست بهره گرفته شد و اینان با اعتقادات عمیق اسلامی و ایمان به مقام شامخ این عارف به هنرنمایی پرداختند لذا در این مجموعه آرامگاهی شاهد توجه به الوهیت و معاد و انواع تناسبات هندسی، ترکیبات زیبای رنگ و نقش و تعامل ادبیات عرفانی و شیعه در معماری و تزئینات آن هستیم (یوسفی و گل‌مغانی، 1389: 34). انواع نقوش تزئینی بقعه را می‌توان به هندسی، اسلیمی و ختائی، ترنج، نقش گل و برگ، حیوانات و نقوش ترنجی تنگ‌بری تقسیم بندی نمود که نقوش جانوری شامل طرح پرنده، اژدها و چند مرغابی در سقف و دیوار قندیل‌خانه می‌شود (مصباحی، 1388: 58).

ساختار معماری و تزئینات بقعه شیخ‌صفی الگوی بسیاری از معماران بناهای ایرانی-اسلامی بوده و همزمان و یا در ادوار مختلف مورد الگو برداری قرار گرفته، یادگارهای این مکان نیز برداشتی از کل فضای بقعه هستند. در یادگارنگاره تاثیر فرم معماری و تزئینات بقعه (کاشیکاری‌ها با نقوش هندسی، تنگ‌بری‌ها با اشکال محرابی و ترنجی ...)، آثار گنچینه شیخ صفی و مهرهای فرامین شاهان صفوی و قاجار با نقوش ترنجی و محرابی به خوبی مشهود است (شکل 1).

یکی از تزئینات پر استعمال در مجموعه شیخ صفی بکارگیری نقوش متنوع هندسی از جمله ستاره‌ها و شمشه‌های 5، 6، 8، 10 و 12 پر در قسمت‌های مختلف بنا است. همانگونه که می‌دانیم تقارن و نظم هندسی از شاخصه‌های مهم هنر

اسلامی است که نوعی معنویت و عرفان اسلامی را در خود جای داده‌اند و بصورت نمادین به این مفاهیم قدسی اشاره دارند (فراست، 1385: 32).



۳



۴



تزئینات مهرها (تصویر 4)

این ویژگی حتی در یادگار نگاره‌ها نیز تجلی یافته و به آنها شخصیت و زیبایی بخشیده و معانی آنها را پربرتر نموده است. یادگار نگاره‌های بقعه شیخ صفی نیز بر اساس عرفان و معنویت اسلامی و حس معنوی موجود در بقعه شکل می‌گیرند و یادگار نویس با توجه به حس معنوی که از صاحب بقعه و حضور روحانی عارف مدفون می‌گیرد و با توجه به عناصر تزئینی موجود در اطراف خود که بسیاری از آنها نقش شمسه، ترنج، نقوش جانوری و فرم‌های محرابی شکل هستند نوشته‌ها و نقش پردازی‌های خود را جاودانه می‌کند (تصویر 5). هر یادگار نویس، خود در جایگاه یکی از

هنرمندان بقعه قرار می‌گیرد و می‌توان گفت با حس و حالی که از فضای معنوی و ملکوتی این مکان مقدس می‌گیرد، ذهن و دست خود را برای نگاشتن و نقش آفرینی آماده می‌کند.



(تصویر 5)

این بقعه از یک سو محل عبادت و ریاضت و مدفن شیخ بوده و لذا برای زائرین ساحتی مقدس و معنوی دارد و از سوی به خاطر اینکه شیخ رهبر معنوی صفویه بوده و شاهان صفوی و همچنین قاجار ارادت خاصی به این مقبره داشته‌اند هدایای نفیس زیادی را به این مکان اهداء کرده‌اند و لذا حفظ و نگهداری این حجم از دارایی‌ها در طول زمان تولیت بقعه را شکل داده است. لقبی که در بسیاری از یادگاری‌های بقعه به چشم می‌خورد «سیف‌التولیه» است و به نظر می‌رسد در این بقعه افراد نظامی و وظیفه حفظ و نگهداری اموال و متعلقات را بر عهده داشته‌اند. گرچه با بررسی‌های زیاد در اسناد و کتب تاریخی شرحی واضح و مستقیم بر لقب سیف‌التولیه یافت نشد اما با توجه به اینکه اکثر این نوع از یادگاری‌ها از دوره قاجار است می‌توان به این نتیجه رسید که لقب فوق به صورت قراردادی و خاص برای محافظان و متولیان این بقعه بکار برده می‌شده است.

پس از درگذشت شیخ و روی کار آمدن سلسله صفویه این محل که مدفن و آرامگاه شیخ‌صافی و نوادگانش و سایر بزرگان صفوی گردیده، جنبه روحانی و تقدس بیشتری پیدا کرده و مورد توجه بزرگان دولت و شاهزادگان قرار گرفته و اشخاص به جهت تقرب به خاندان سلطنت یا به قصد خیرات، اموال و املاک بسیاری را وقف آنجا نمودند که از آن

جمله می‌توان به انواع کتب نفیس، گنجینه‌های ارزشمند چینی، طلا، نقره، فرش و املاک متعددی چون روستای کلخوران و شهرهای اطراف اشاره نمود. لذا ثبت و ضبط این وقفیات و نذورات ارزشمند، تدابیر و افراد ویژه را می‌طلبید. از متولیان آستانه شیخ‌صفی می‌توان به محمدقاسم بیک صفوی اشاره کرد که به سال 1176/ق 1762م فهرستی از اموال و نفایس بقعه را جمع‌آوری می‌نماید (اختری، 1378: 131).

امور مربوط به بقعه شیخ‌صفی تا قبل از تاسیس حکومت صفوی توسط شیوخی که رهبری طریقت صفوی را بر عهده داشتند اداره می‌شد اما پس از آن، هم توسط پادشاهان هم توسط متولیان که بوسیله دربار انتخاب می‌شدند به موقوفات، املاک و مستغلات آن رسیدگی و تولید آن به افرادی چون قزلباش‌ها، طوایف معروفی چون قاجار و گاه سادات و دیگر معتمدان محلی سپرده می‌شد (احمدی و لطفی، 1388: 28-33). از این گفته پیداست که همواره تولید و سرپرستی بقعه (حداقل در دوره صفوی) با دربار و نظامیان ارتباط نزدیک داشته و این آرامگاه به جز جنبه‌های دینی و اجتماعی از لحاظ سیاسی نیز حائز اهمیت بوده است.

پس از دوره صفوی و با شروع دوره قاجار از نقش و اهمیت متولیان بقعه کاسته شده و افراد سیاسی، کمتر در این امر دخالت دارند و آنچه از یادگارنوشته‌های این دوره برداشت می‌شود این است که این وظایف به معتمدان محلی سپرده شده است.

القابی چون «کلیددار»، «خادم آستان»، «سیف‌زاده» و «سیف‌التولیه» از القابی هستند که بواسطه یادگارنویسی‌های دوره قاجار قابل شناسایی و بررسی هستند و احتمالاً هر یک دارای منصب و جایگاه خاص در اداره بقعه شیخ‌صفی بوده‌اند. به نظر می‌رسد لقب سیف‌التولیه در کنار دیگر القاب، از دوره قاجار برای متولیان باب شده است. در عهد قاجار، القاب جایگاه خاصی برای خود دارند و چنان اهمیتی می‌یابند که هر شخص می‌توانست از شاه یا وزیر درخواست لقب نماید.

در عهد ناصری اعطای عناوین رسمی بیش از پیش بالا گرفت بطوریکه تعداد آنها از ششصد لقب نیز تجاوز می‌کرد. در این القاب، اولین کلمه، کلمه توصیفی و متناسب با مقام دریافت‌کننده آن مثل شغل و اسلحه بود و کلمه دوم درجه و جایگاه اجتماعی را مشخص می‌نمود (زرچیان، 1373: 60). همچنین از جمله القاب دیوانی و شغلی در دیوان، واژه «تولیت» و «نایب تولیت» بود که جنبه مشترک دیوانی-مذهبی داشت و به کسانی گفته می‌شد که تولیت و سرپرستی حرم امامان، امامزادگان و بقاع متبرکه را بر عهده داشتند. بر همین این اساس، القاب «سپهسالار»، «امیر» و «سردار» از القاب خاص اهل شمشیر بودند (شکوری، 1368: 116).

با توجه به نکات ذکر شده می‌توان در مورد «سیف‌التولیه» اینگونه اظهار نظر نمود که لقب فوق احتمالاً یک لقب شخصی و مختص متولیان بقعه شیخ‌صفی بوده (احتمالاً لقبی که در همان محل ساخته و بکار گرفته شده است) و شخص فوق علاوه بر کسوت نظامی‌گری، متولی بقعه نیز بوده و در کنار وی افرادی چون کلیددار، خادمان و سیف‌زادگان به امورات مقبره شیخ‌صفی رسیدگی می‌کرده‌اند. نکته دیگر در مورد محتوای یادگاری‌ها این است که آنها از جهت املاء و نگارش متون نیز ویژگی‌های خاص خود را دارند و به این علت که همه زائران از سواد یکسان برخوردار نبوده و بسیاری از ایشان افراد عامی جامعه بوده‌اند لذا ادبیات یادگاری‌ها هم گاه ساده و صریح، بی غلّ و غش و دور از قوائد معمول نوشته شده‌اند. البته در چند نمونه یادگار نویس به رمزنگاری روی آورده و تاریخ تولد و حتی اسامی را به زبان رمز نوشته است. در کنار اینها گزارش‌های تاریخی نیز بسیار حائز اهمیت هستند. در جایی نویسنده از گرانی در آن روزگار و اینکه گندم را به قیمت بسیار بالا خریده شکایت می‌کند، در جایی دیگر از غارت گنجینه بقعه در آن تاریخ

خبر می‌دهد و گاهی هم به موضوع تولد یا مرگ عزیزی اشاره دارد. اما همه اینها یک وجه اشتراک دارند و نشانگر حضور زائران در این مکان شریف هستند. زائران و خادمانی که نام آنها بواسطه همین نوشته‌های کوتاه در تاریخ این سرزمین جاودانه شده است.

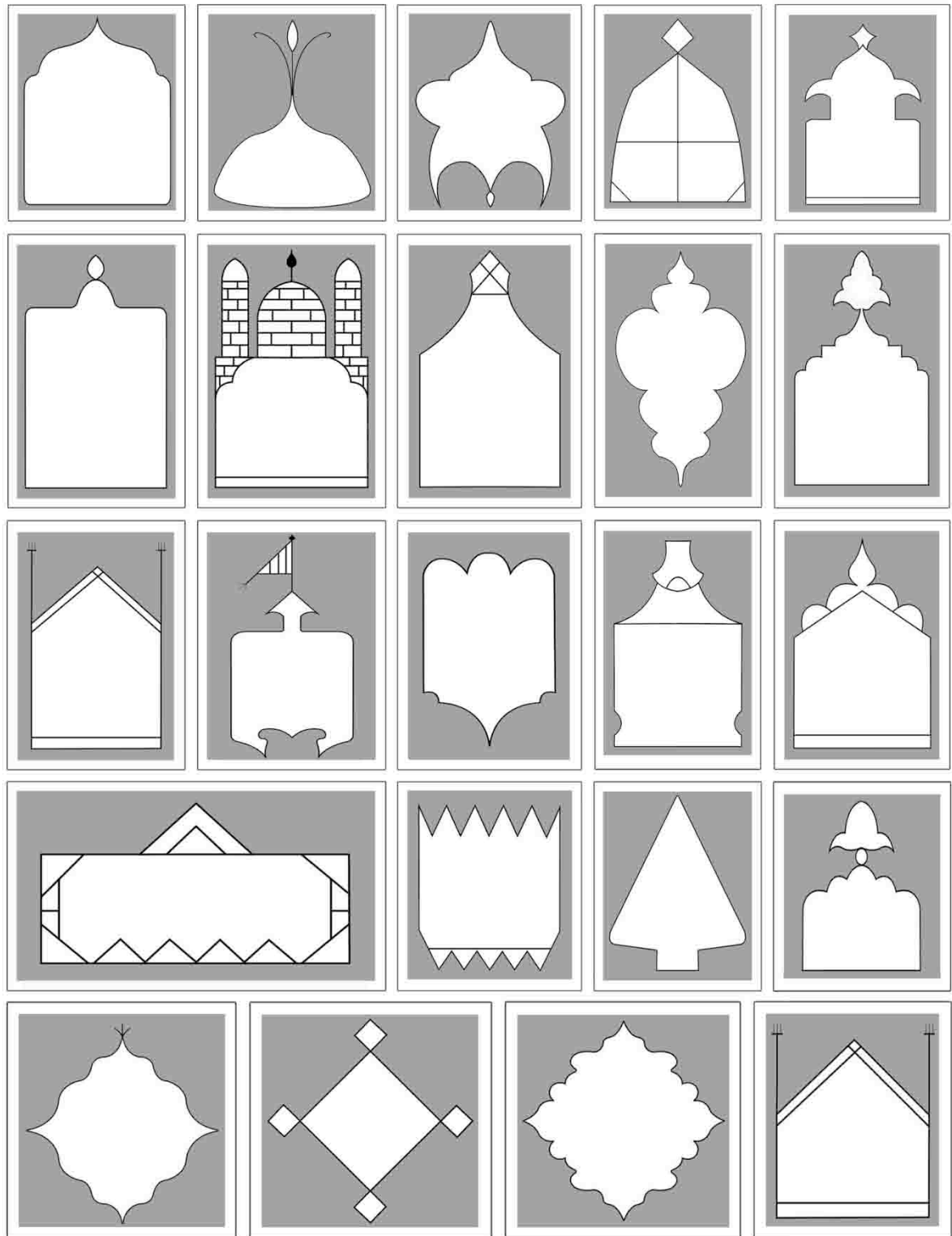
خوانش یادگارنوشته‌ها و یادگارنگاره‌های قاچاری در بقعه شیخ‌صافی‌الدین اردبیلی:

تصویر	یادگارنوشته	تصویر	یادگار نوشته
	عبده حبیب‌الله ابن مشهدی اسماعیل خدام سنه 1205		یا الله عبده نجف ولد مرحوم آقای مرادعلی غلامعلی سنه 1203
	اقل السادات آقا رجب- الله خادم بن آقا سنه 1241		تاریخ تولد اسماعیل سنه 1217
	یا الله فتح‌الله ابن مشهدی ابراهیم خدام سنه 1250		عبده کربلایی عبدالحسین ابن حاجی محمدحسن ساکن اردهبیل (اردبیل) سنه 1243
	عبدالرحیم ابن کربلایی حسین بیگ فی دهم شهر محرم‌الحرام سنه 1268		هوالباقی کتابه زین‌العابدین ابن مرحوم مشهدی‌جان درویش م سنه 1258
	تاریخ تولد محمد طالب تاریخ تولد «ک ط ک ر لاق» سنه 1292		یا الله عبده الراجی محمدزکی ابن ملا طاهر کلیددار سنه 1285

	<p>یادگار اوطانی 19 شهر صفر 1310</p>		<p>کتابه آقای حاجی خادم شیخ صفی 4 رجب سنه 1310</p>
	<p>سیف الله ابن مرحوم حبیب الله خادم 1315</p>		<p>محمدحسین بن مرحوم حاجی خادم 1311</p>
	<p>ولد علی اصغر ولد خلیفه صفی خادم آستانه شاه صفی رحمه الله علیه 1319</p>		<p>تولد محمد آقا ولد سیف التولیہ خادم نهم شهر جمادی الاولی سنه 1317</p>
	<p>میرزا آقا ابن بابا کلاهی 1322</p>		<p>کتابه اقل آقا میرزا صالح ولد کلب حسین خادم شیخ علیه رحمه 1320</p>
	<p>یادگار محمد علی پسر حاجی جبار سنه 1327</p>		<p>یادگار اقل بابا کلاهدوز اردبیلی تاریخ 21 رجب المرجب 1326</p>
	<p>هو به مصلاً رفتن جمیع علماء و اهالی شهر اردبیل شهر رجب المرجب سنه 1330</p>		<p>تاریخ وفات نمودن محمدتقی فی 11 شهر ذیقعدہ 1330</p>
	<p>اقل کاتبه میر بیوک ولد مصباح السادات خادم شیخ علیه الرحمه محمد کاظم 1332</p>		<p>الحقیر مشهدی غفور بن محمدجعفر خادم سنه 1330</p>

	<p>ولد محمد آقا سیف زاده خادم 1333</p>		<p>.... میرزا آقا محمد ولد خادم سیف التولیه سنه 1332</p>
	<p>کتابه الحقیق مشهدی غفور و مشهدی محمد جعفر خدا آستانه متبرکه صفوی بتاریخ رجب المرجب روز نوبه پنجشنبه 1335</p>		<p>این نوشتم بجهه یادگاری حرره الحقیق محمد آقا سیف التولیه فی یکشنبه 28 رمضان سنه 1334</p>
	<p>هو- ای از ما بعد کسان آیندگان آگاه باشید که از زمانه خرمن خورده ایم نان را بر 3 تومان گرفتیم از همه جهت تنگی کشیدیم تاریخ شهر شوال 1336</p>		<p>عبدہ الراجی الی الله محمد آقا بن مرحوم محمد تقی سیف التولیه خادم شیخ علیه الرحمه سنه 1336</p>
	<p>کتابه یادگار مشهدی غفور خادم سنه 1338</p>		<p>کتابه اقل مشهدی محمد آقا ابن مرحوم سیف التولیه خادم 1336</p>
	<p>کتابه محمد قلی ولد مرحوم محمد جعفر خادم آستان مبارکه تاریخ 21 محرم 1340</p>		<p>علی آقا خادم- هو الباقی کتابه عبدہ الراجی الی الله محمد آقا ابن مرحوم مغفور محمد تقی سیف التولیه خادم حضرت شیخ علیه الرحمه فی چهاردهم صفر المصفر روز چهارشنبه نوبه هزار و سیصد و سی و نه هجری 1339</p>

	<p>تاریخ بردن اشیاء نقیسه موقوفه حضرت شیخ علیه الرحمه آقا سید عبدالرحیم خلخالی در 18 شهر رجب المرجب سنه 1345 ت 14</p>		<p>یادگار محمدحسین آستارابی سنه 1341</p>
	<p>عبده عبدالمحمد ولد ملا علی کلیددار 1366</p>		<p>یادگار جلیل آستارابی تاریخ فی جمادی الثانی 1345</p>
	<p>عبده محمد ولد ... (نقش طاووس)</p>		<p>منیر بابا (نقش پرنده)</p>
	<p>عبده محمدرسول بن مرحوم عبدالرحیم خادم</p>		<p>کتابه اقل محمدرسول نواده عبدالمحید کلیددار- ولد</p>
	<p>یادگار نجفقلی</p>		<p>یادگار مشهدی خادم (نقش اسب)</p>



شکل 1- نقوش تزئینی شامل ترنج، شمسه، درگاه، گنبد و ... در یادگارنویسی و یادگار نگاره های بقعه شیخ صفی

نتیجه گیری:

یادگارنویسی‌ها و یادگارنگارها از جمله منابع تاریخی و اشکال زیبا شناسانه هستند که باید با نگاهی دقیق‌تر و خوانشی هشیارانه‌تر به آنها توجه نموده و مورد مطالعه و بررسی قرار داد. نوشته‌هایی که با موجز گویی و دوری از دروغ و تصنع علاوه بر آنکه نام مردمان گذشته را جاودانه کرده‌اند به مانند یک گزارش و سندی تاریخی، روزگار خویش را حکایت می‌کنند. بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز به مانند دیگر بناهای مقدس، مملو از یادگارنوشته‌هایی از دوره قاجار است که هم از لحاظ تاریخی و سیاسی و هم از جنبه‌های هنری، ارزشمند و حائز اهمیت می‌باشند. فرم‌های ترنجی شکل، شمشه‌ها، قوس‌های محرابی، ظروف سفالی در چینی‌خانه، مهرهای فرامین شاهان صفوی و تزئینات تنگبری‌ها الگوی خوبی برای نقش اندازی زائران و خادمان در کنار نوشته‌هایشان بوده است. دلنوشته‌هایی که از ابتدا تا انتهای دوران قاجار از یک طرف به حضور زائران در این مکان شریف اشاره دارند و از سویی رخدادهای صورت گرفته در بقعه و موضوعات اجتماعی را که شاید در هیچ منبعی ثبت نشده تعریف می‌کنند. نکته مهم اینکه بسیاری از این نوشته‌ها را خادمان و متولیان بقعه به یادگار گذاشته‌اند و آنچنان که از متن آنها برمی‌آید ایشان لقب سیف‌التولیه را که منصبی نظامی-دینی بوده را برای خود برگزیده‌اند. با توجه به مطالب ذکر شده و شناختی که از یادگارنوشته‌ها به دست آمده، حفظ و ثبت آنها را لازم و ضروری می‌کند چراکه این آثار در کنار منابع مکتوب برای پژوهشگران تاریخ، فرهنگ و هنر بسیار مفید فایده و ارزشمند خواهند بود.

پا نوشت:

1- «وندال» نام قومی از اقوام ژرمن-اسلاو است که در قرن پنجم م می‌زیستند و همواره به اسپانیا هجوم می‌آوردند و آنجا را تصرف و تخریب می‌کردند. با برداشت از رفتار وندال‌ها، امروزه به تخریب کنترل نشده و گاه اعتراض‌آمیز اشیاء و آثار فرهنگی با ارزش یا اموال عمومی که یک ناهنجاری اجتماعی به حساب می‌آید «وندالیسم» می‌گویند. برای حل این مشکل و در نظر گرفتن نیازهای معنوی افراد جامعه، بسیاری از شهرهای جهان، دیوارهایی را در نظر می‌گیرند که همه می‌توانند روی آنها، یادگاری بنویسند، نقاشی کنند یا طرح‌های خود را اجرا نمایند. این فضاها، کم‌کم به محلی برای ارائه کارهای هنری تبدیل شده و اکنون از آن با عنوان هنر گرافیتی (Graffiti Art) یاد می‌کنند». (شمسه، 1380: 17-18).

2- «شیخ بهاء‌الدین عاملی» معروف به شیخ بهائی از علمای شیعه و نیز از دانشمندان معروف دوره شاه‌عباس صفوی است. وی بواسطه ارادتی که به بابا رکن‌الدین (عارف و سالک معروف دوره الیخانی و مدفون در تخت فولاد اصفهان) داشته همواره به مزار مقدس وی رفت و آمد کرده و در چله‌خانه آنجا به ریاضت و راز و نیاز می‌پرداخته است. در یادگار نوشته‌ای که از جناب شیخ بهائی باقی مانده، شیخ از حضور خود در چله‌خانه مذکور خبر می‌دهد.

منابع:

- 1- احمدی، نزهت و مریم لطفی (1388)، تولیت بقعه شیخ‌صافی اردبیلی در دوره حکومت صفویان، نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال 19، شماره 3، 27-48
- 2- اختری، محمدعلی (1378)، گنجینه شیخ صفی اردبیلی، مجله کانون، شماره 14، 125-136

- 3- جامعی، بلوک و دیگران(1374)، نگاهی به آثار و ابنیه تاریخی اردبیل، نشر میراث فرهنگی کشور
- 4- زرین چیان، غلامرضا(1373)، القاب و عناوین در ایران بعد از اسلام، نشریه مشکوه، شماره43، 55-65
- 5- سیمره، سمانه(1387)، بررسی یادگارهای چند بقعه متبرک، مجموعه مقالات اولین گردهمایی گنجینه‌های از یاد رفته هنر ایران، نشر فرهنگستان هنر، 183-196
- 6- شاهمندی، اکبر و شهاب شهیدانی(1391)، بررسی یادگارنویسی در بقعه پیربکران اصفهان از دوره ایلخانی تا عصر قاجار، نشریه پژوهش‌های تاریخی، شماره14، 45-64
- 7- شکوری، ابوالفضل(1368)، نقش القاب در رجال شناسی، نشریه یاد، شماره16، 97-138
- 8- شمسه، مجید(1380)، وندالیسم اعتراض به جامعه، نشریه اصلاح و تربیت، سال اول، شماره 9، 17-18
- 9- کیانی، محسن(1369)، تاریخ خانقاه در ایران، کتابخانه طهوری، تهران
- 10- فراست، مریم(1385)، هم نواختی کتیبه و نقوش هندسی در بناهای عصر صفوی، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره5، 25-44
- 11- مصباحی، شکوفه(1388)، مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی گمشده‌ای از معماری صفویه، پژوهشگاه میراث فرهنگی، تهران
- 12- یوسفی، حسن، ملکه گل‌مغانی(1389)، هنرهای شیعی در مجموعه تاریخی فرهنگی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، نشر یاوربان، اردبیل.

منبع تصاویر:

نگارنده